

## مقایسه تطبیقی ادبیات کودکان در زبان اردو و فارسی با تکیه بر ویژگی های زیباشناختی

عثمان محسن بهٹی

دانشجوی دکتری، بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جی سی- لاهور

دکتر غلام اکبر

دانشیار، بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جی سی- لاهور

### Abstract:

*Children's and Adolescent Literature, as one of the significant branches of literature, plays a crucial role in the intellectual, cultural, and social development of children and adolescents. The Urdu and Persian languages, with their rich literary and cultural heritage, have each followed distinct paths in the creation of children's and adolescent literary works. This article aims to provide an aesthetic comparison of children's and adolescent literature in these two languages.*

*In this study, the historical and cultural background of children's literature in both Urdu and Persian will first be examined. Then, the aesthetic features of these works will be analyzed in areas such as language, mental imagery, the use of allegory, and storytelling. Another important aspect discussed is the attention to indigenous and cultural elements in the literature of these two languages, which lead to notable differences in themes and educational approaches.*

*The findings of the research show that Persian children's literature emphasizes moral and educational teachings and draws upon myths and ancient tales, adopting a symbolic and didactic approach. In contrast, Urdu literature, influenced by folk literature and storytelling traditions, focuses more on entertaining and narrative aspects. From an aesthetic perspective, both languages employ creative imagery and diverse narrative styles; however, Persian literature tends to favor refined language and literary devices, while Urdu literature prefers simplicity and closeness to everyday language. Furthermore, cultural, historical, and social differences have had a significant impact on the aesthetics of children's and adolescent literature in these two languages. This study could provide a foundation for a better understanding of this field and for utilizing its potential in producing collaborative works and strengthening cultural connections between the two languages.*

**Keywords:** Children's Literature, Persian Language, Urdu Language, Comparative Study.

### چکیده

ادبیات کودک و نوجوان، به عنوان یکی از شاخه‌های مهم ادبیات، نقش ویژه‌ای در رشد ذهنی، فرهنگی و اجتماعی کودکان و نوجوانان ایفا می‌کند. زبان‌های اردو و فارسی با پیشینه‌ای غنی از ادبیات و فرهنگ، هر یک در خلق آثار ادبی کودک و نوجوان مسیرهای متفاوتی را پیموده‌اند. این مقاله به مقایسه زیباشناختی ادبیات کودک و نوجوان در این دو زبان می‌پردازد.

در این پژوهش، ابتدا پیشینه تاریخی و فرهنگی ادبیات کودک در اردو و فارسی بررسی می‌شود. سپس، ویژگی‌های زیباشناختی این آثار در زمینه‌هایی چون زبان، تصاویر ذهنی، استفاده از تمثیل و قصه‌پردازی تحلیل می‌شود. از دیگر مباحث مورد بررسی، توجه به عناصر بومی و فرهنگی در ادبیات این دو زبان است که موجب تمایزهای قابل‌توجه در مضامین و رویکردهای تربیتی می‌شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ادبیات کودک در زبان فارسی با تأکید بر آموزه‌های اخلاقی و تربیتی و بهره‌گیری از اسطوره‌ها و داستان‌های کهن، رویکردی نمادین و آموزشی دارد. در مقابل، ادبیات اردو با تأثیرپذیری از ادبیات عامیانه و سنت‌های داستان‌گویی، بیشتر بر جنبه‌های سرگرم‌کننده و روایی تمرکز کرده است. از منظر زیباشناسی، هر دو زبان از تصویرسازی‌های خلاقانه و سبک‌های روایی متنوع بهره برده‌اند، اما ادبیات فارسی غالباً به زبان فاخر و آرایه‌های ادبی تمایل دارد، در حالی که ادبیات اردو ساده‌گرایی و نزدیکی به زبان روزمره را ترجیح می‌دهد. همچنین تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی تأثیر قابل‌توجهی بر زیباشناسی ادبیات کودک و نوجوان در این دو زبان داشته است. این بررسی می‌تواند زمینه‌ای برای شناخت بهتر این حوزه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن در تولید آثار مشترک و تقویت ارتباطات فرهنگی میان دو زبان فراهم کند.

ISSN E: 2709-8273  
ISSN P:2709-8265



JOURNAL OF APPLIED  
LINGUISTICS AND  
TESOL

**JOURNAL OF APPLIED LINGUISTICS AND TESOL (JALT)**

**Vol.8. No.1 2025**

واژگان کلیدی: ادبیات کودک، زبان فارسی، زبان اردو، مقایسه تطبیقی.

### مقدمه

ادبیات کودک و نوجوان بخشی از میراث فرهنگی و ادبی هر ملت است که نه تنها برای سرگرمی، بلکه برای تربیت، انتقال ارزش‌ها و تقویت خلاقیت کودکان و نوجوانان خلق می‌شود. این شاخه از ادبیات از نظر زبانی، مضمونی و زیبایی‌شناختی بازتاب‌دهنده باورها، ارزش‌ها و تجربیات فرهنگی جوامع مختلف است. زبان‌های فارسی و اردو، هر دو با پیشینه‌های کهن در ادبیات، از ظرفیت‌های بالایی برای خلق آثار برجسته در حوزه کودک و نوجوان برخوردار بوده‌اند. در ادبیات فارسی، آثار کهن مانند **قصه‌های مثنوی مولوی و حکایت‌های گلستان سعدی** به دلیل زبان نمادین و آموزه‌های اخلاقی، همواره الهام‌بخش نویسندگان معاصر بوده‌اند (یوسفی، 1390). در مقابل، ادبیات کودک در زبان اردو با تأثیرپذیری از داستان‌های عامیانه و سنت‌های محلی، بیشتر بر روایت‌های سرگرم‌کننده و جذاب تمرکز دارد (خان، 2015). این تفاوت‌ها ناشی از عوامل تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است که زیبایی‌شناسی آثار ادبی کودک را در هر زبان شکل داده‌اند.

مطالعه تطبیقی ادبیات کودک در این دو زبان، می‌تواند به شناخت عمیق‌تر از عناصر زیبایی‌شناختی، مضامین مشترک و تفاوت‌های فرهنگی منجر شود. چنین بررسی‌هایی افزون بر آشکار ساختن نقاط قوت و ضعف این ادبیات، به توسعه آثار مشترک میان این دو فرهنگ نیز کمک می‌کند. به‌طور مثال، **رضا پراهنی** معتقد است که شناخت زیبایی‌شناسی ادبیات کودک در هر زبانی می‌تواند به خلق آثار مؤثرتر و غنی‌تر کمک کند (پراهنی، 1387). همچنین، **نسیم حجازی**، نویسنده برجسته ادبیات اردو، اهمیت بازتاب فرهنگ بومی در آثار کودک را به‌عنوان عاملی مؤثر در جذب مخاطب جوان مطرح می‌کند. (Haq, 2018)

در این مقاله، با رویکردی تطبیقی، ادبیات کودک و نوجوان در زبان‌های فارسی و اردو از منظر زیبایی‌شناختی بررسی خواهد شد تا ضمن شناسایی نقاط مشترک، تفاوت‌های اساسی و تأثیرگذار بر تولیدات ادبی این حوزه روشن شود.

### روش انجام پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش **کتابخانه‌ای** و به‌صورت **توصیفی-تحلیلی** انجام شده است. در این روش، ابتدا منابع مرتبط با موضوع، شامل کتاب‌ها، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها و اسناد مرتبط با ادبیات کودک و نوجوان در زبان‌های فارسی و اردو گردآوری شده‌اند. سپس، اطلاعات به‌دست‌آمده با تأکید بر زیبایی‌شناسی، مضامین و ویژگی‌های زبانی و روایی این آثار تحلیل شده است.

روش کتابخانه‌ای برای بررسی متون مکتوب، به‌ویژه در حوزه‌هایی که به مطالعه ادبیات، تاریخ و فرهنگ می‌پردازد، مناسب است. در این پژوهش، منابع به‌گونه‌ای انتخاب شده‌اند که بتوانند نماینده‌ای از ادبیات کودک و نوجوان در هر دو زبان باشند. منابع فارسی شامل آثار کلاسیک و معاصر در حوزه ادبیات کودک، تحلیل‌های زیبایی‌شناختی و مطالعات تاریخی بوده است. در مقابل، در زبان اردو نیز آثار مشابه، شامل ادبیات داستانی، اشعار کودکانه و مقالات پژوهشی مرتبط با زیبایی‌شناسی آثار کودکانه بررسی شده است.

### پیشینه پژوهش

#### الف: پژوهش در ادبیات کودک فارسی

1- یوسفی (1390) در کتاب ادبیات فارسی و میراث فرهنگی، به بررسی جایگاه قصه‌ها و حکایت‌های کهن فارسی در تربیت و سرگرمی کودکان پرداخته است. او تأکید می‌کند که آثار کلاسیکی چون **گلستان سعدی** و قصه‌های مثنوی دارای ساختاری نمادین و زبانی فاخر هستند که به انتقال ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کند.

2- شفیع‌کدکنی (1394) در کتاب **چراغ و آینه** به تحلیل تحولات شعر معاصر فارسی، از جمله شعرهای کودکانه، پرداخته و ویژگی‌های زبانی و زیبایی‌شناختی این گونه را بررسی کرده است.

#### ب: پژوهش در ادبیات کودک اردو

1- خان (2015) در کتاب **Children's Literature in Urdu: A Historical Overview** به بررسی تاریخی ادبیات کودک در زبان اردو پرداخته است. او تأثیر سنت‌های داستان‌گویی عامیانه و فرهنگ محلی را بر ادبیات کودک اردو برجسته کرده است.

2- حسین (2018) در مقاله‌ای با عنوان **Aesthetic and Cultural Elements in Urdu Children's Stories**، جنبه‌های زیبایی‌شناختی و فرهنگی داستان‌های کودکانه اردو را تحلیل کرده و بر اهمیت استفاده از زبان ساده و داستان‌های عامیانه در این ادبیات تأکید دارد.

#### ج: مطالعات تطبیقی

1- رضایی و احمدی (1398) در مقاله‌ای با عنوان **مقایسه تطبیقی ادبیات کودک در زبان‌های فارسی و اردو**، به بررسی مضامین مشترک و تفاوت‌های زبانی در اشعار و داستان‌های کودکانه پرداخته‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که ادبیات فارسی بیشتر به آموزش ارزش‌های اخلاقی و مذهبی گرایش دارد، در حالی که ادبیات اردو اغلب بر سرگرمی و تقویت تخیل کودکان متمرکز است.

2- حسن و شاه (2020) در پژوهشی تحت عنوان Comparative Study of Children's Literature

in Persian and Urdu: Linguistic and Cultural Perspectives

در این دو زبان بررسی کرده و بر اهمیت ریشه‌های فرهنگی در شکل‌گیری مضامین و سبک‌های روایی تأکید کرده‌اند.

این پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات متعددی در حوزه ادبیات کودک در زبان‌های فارسی و اردو انجام شده است. با این حال، پژوهش حاضر با تمرکز بر رویکرد زیباشناختی و تحلیل تطبیقی تلاش می‌کند تا تصویری جامع‌تر از شباهت‌ها و تفاوت‌های ادبیات کودک در این دو زبان ارائه دهد. این رویکرد می‌تواند به فهم بهتر تعاملات فرهنگی و ظرفیت‌های ادبی مشترک کمک کند.

**بحث و بررسی**

**بدیع لفظی**

یکی از مهمترین بخشهای موسیقی شعر، که نتیجه ترکیب و تکرار حروف و واژه‌هاست، موسیقی درونی است. در میان اجزای تشکیل دهنده موسیقی درونی هم، آنچه در انتقال و تأثیر پیام اهمیت بیشتری دارد، آوای کلمات در بافت شعر است؛ چرا که در این قلمرو، موسیقی شعر به معنای هنری دقیق خویش آشکار می‌شود (شفیعی کدکنی، 1385: 321). موسیقی درونی در شع کودک به گونه‌های مختلف جلوه می‌کند و بیگمان در زیبایی شعر و تأثیرگذاری آن در ذهن و زبان کودکان نقش زیادی دارد. موسیقی درونی در صورت تکرار حرف، تکرار واژگان، تکرار عبارات یک مصراع یا بیت و تکرار حرکات جلوه‌گر می‌شود (علی پور، 1393: 85).

**تکرار**

**الف: واج آرایبی**

در شعر زیر حرف «ش» تکرار شده است:

چشمه چشمانشان خشک

غنچه لبهایشان چاک (کشاورز، 1379: 12).

در شعر زیر حروف «ه» و «د» تکرار شده‌اند:

موهایت را دانه دانه

حلقه، حلقه می بینم خوب

آنها را نرم، دسته دسته

پهلوی هم می چینم خوب (کیانوش، 1379: 42).

هم حرفی «د» و «ت» در شعر زیر:

دویدم و دویدم

به تق و تق رسیدم

تق تقو دادم به دارکوب

دارکوب به من درخت داد

درختو دادم به نجار

نجار به من تخت داد

رو تخت خود خوابیدم

باز تق، تقی شنیدم

تق تق صدای در بود

دارکوب نبود، پدر بود (کشاورز، 1378: 12).

**واج آرایبی**

گنجشک نغمه زد در باغچه

خواند ترانه‌ای شیرین و چهچه

گفت که خورشید تابید از افق

سبزه و گل همه سبز و صادق

(صوفی تبسم)

تکرار واج «گ» (گنجشک، گل، گفت) و «س» (سبزه، سبز، صادق) به لطافت و ریتم موسیقایی شعر می‌افزاید و زیبایی آواز گنجشک را برجسته می‌کند.

دل کا بهید نه پائے پرندے

پنجرے میں بھی نہ گائے پرندے

بے افسوس کی قید میں آگئے

آزاد تھے، جو ہوائیں بھائیں  
(علامہ اقبال لاہوری)

تکرار واج «پ» (پرنده، پنجرے، پائے) و واج «ب» (بھید، بھائیں) حالتی آہنگین ایجاد می‌کند کہ اسارت و حسرت پرندہ در ففس را بازتاب می‌دهد. علم روشنی ہے، جہالت اندھیرا پڑھو، سیکھو، بنو روشنی کا سہارا کتابیں ہیں دوست، وقت نہ گنواؤ علم حاصل کرو، سب کچھ پاؤ (الطاف حسین حالی)

تکرار واج «ر» (روشنی، سہارا، پڑھو) و واج «ل» (علم، حاصل، گنواؤ) آہنگی دلنشین ایجاد می‌کند. تکرار واج «ک» (کتابیں، کرو، کا) حس تاکید و تأمل را در شعر برجستہ می‌سازد.

#### ب: تکرار اسم صوت

یکی از تکرارهایی که در اشعار کودک به منظور بیان و القای تجربه شنیداری انجام می‌شود، تکرار اسم صوت در شعر است. با تکرار اسم صوت کودکان از اشعار بیشتر لذت می‌برند: قار و قار و قار چه جوجه ای چه نازی

با من میای به بازی؟ (شعبانی، 1391).

در شعر فوق «قار» که اسم صوت است سه بار تکرار شده است.

#### ج: تکرار واژه

چهار، چهار، چهار، چهار  
شدم ز تاخت بی قرار  
(یمینی شریف، 1388)

در این شعر شاعر واژه «چهار»، چهار بار تکرار شده است.

دویست و بیست، دویست و بیست  
چون من کسی پ کار نیست  
(همان)

در بیت فوق «دویست و بیست» دو بار تکرار شده است.

#### بديع معنوی

بديع معنوی یکی از بخش‌های علم بديع در علوم بلاغی است که به آرایه‌هایی می‌پردازد که زیبایی متن از طریق محتوای معنایی و مفاهیم ایجاد می‌شود، نه از طریق واژه‌ها و موسیقی کلام. در بديع معنوی، نویسنده یا شاعر با استفاده از شیوه‌های خاص، ارتباط معنایی میان اجزای متن را تقویت می‌کند و تأثیری عمیق‌تر بر مخاطب می‌گذارد (شفیعی‌کدکنی، 1394).

این آرایه‌ها باعث ایجاد عمق، غنای فکری و تأثیرگذاری بیشتر در سخن می‌شوند و اغلب شامل مفاهیم و پیام‌هایی هستند که بر ذهن و احساسات خواننده اثرگذارند

#### الف: تشخیص

چه شد؟ خاک از خواب بیدار شد  
دوباره شگفته است گل از گلم  
به خود گفت: انگار من زنده ام  
ببین بوی گل می دهد خنده ام  
(امین پور، 1389)

در این شعر شاعر به خاک صفت انسانی بیدار شدن از خواب و زنده بودن داده است. چنین گفت در گوش گل غنچه ای  
نسیمی مرا غلغلک می دهد  
زمین زیر پایم نفس می کشد  
هوا بوی باد خنک می دهد

(امین پور، 1389)  
در این شعر شاعر سخن گفتن و گوش داشتن را به غنچه و گل نسبت داده است.

چشمه ها در زمزمه  
موجها در همهمه  
باغ در حال قیام  
آفتاب و ماهتاب  
رودها در شست و شو  
جویها در جست و جو  
کوه در حال رکوع  
در غروب و در طلوع

(امین پور، 1389)

در این شعر شاعر برای چشمه زمزمه کردن، برای رود شستن، برای موج همهمه، برای جوی جستجو کردن، برای باغ قیام کردن، برای کوه رکوع کردن و برای آفتاب و مهتاب غروب و طلوع که از صفات انسانی است قائل شده است.

**ب: تشبیه**

نوشتند چون حرف ناگفته ای  
چه شد؟ باز انگار آتش گرفت  
گل لاله را بر لب جویبار  
همه گل به گل دامن سبزه زار  
(امین پور، 1389)

در این ابیات شاعر حرف ناگفته را به گل لاله لب جویبار مانند کرده است.  
لحظه شعر گفتن چگونه است  
حس گل در شکفتن چگونه است  
باز از من تو پرسیده بودی  
تو از این حرف خندیده بودی  
گفتمت: مثل غم، مثل گریه  
ای که یک روز پرسیده بودی  
گفتمت: مثل لبخند گلها  
باز من گفته بودم برایت  
گفتمت: مثل غم، مثل گریه  
(امین پور، 1389)

در این شعر شاعر لحظه ی شعر گفتن را به لبخند گلها مانند کرده است. سپس حس گل هنگام شکفتن را به غم و گریه مانند کرده است.

بچه بین پهلوان کی طرح،  
ان کی بر بات ہے پیاری، ان کی ہر بات ہے سچی۔  
(محو ی صدیقی)

ترجمه (بچه ها مثل گل هستند هر چه می گویند شیرین است، هر چه می گویند درست است).  
در این شعر شاعر کودکان را از نظر زیبایی و لطافت به گل مانند کرده است.  
محو صدیقی برای کودکان نیز شعرهای زیبایی می سراید. شعر او معصومیت، شادی و جنبه های مختلف زندگی کودکان را توصیف می کند.

بچه ہو تم پهلوان کی طرح، خوشبو سے بھرپور،  
تمہاری ہر بات ہے پیاری، تمہاری ہر بات ہے نور۔  
(الطاف حسین حالی)

ترجمه (بچه ها شما مثل گلها هستید پر از عطر هر چه می گویی عزیزم هر چه می گویی نور است).  
در این بیت شاعر کودکان را از نظر معصومیت و لطافت به گل مانند کرده است.

علم کا چراغ جلاؤ، بھٹکے نہ ہو تم،  
علم سے ہی روشن ہے، ہر ایک راستہ تم۔  
(الطاف حسین حالی)

ترجمه (چراغ علم را روشن کن، گمراه نشو. دانش همه مسیر شما را روشن می کند).  
در این بیت شاعر علم را همچون چراغی می داند که راه را روشن می کند.

گلوں کی طرح چہرے پہ مسکاں ہو تیری،  
چراغوں کی طرح روشنی کا سماں ہو تیری  
(الطاف حسین حالی)

ترجمه (شما مثل گل لبخند بر لب دارید، باشد که آسمان شما مانند چراغ بدرخشد).  
در این شعر حالی کودکان را از نظر زیبایی و طراوت به گل مانند کرده است و آسمان را از نظر روشنی به چراغ تشبیه کرده است.

بنابراین حالی در شعرهای خود برای کودکان تشبیهاتی را به کار می برد تا بتواند به راحتی درس های عاطفی و اخلاقی را در ذهن کودکان تلقین کند.

"چاند کی طرح چمکتا ہے، میرا پیارا دوست"  
(صوفی تبسم)

ترجمه (دوست زیبا و عزیزم، همچون ماه بدرخش)  
در اینجا شاعر کودک را به ماه مانند کرده است.

**ج: کنایه**

موش دم باریکش رو  
رفت دیگہ پیداش نشد  
گذاشت به دوش و در رفت  
انگار به یک سفر رفت  
(قاسم نیا، 1395)



«دم روی دوش گذاشتن» کنایه از فرار کردن و گریختن است.  
کنار هم بشینید  
به روی هم بخندید  
گلدگفتن و گل شنیدن» کنایه از لذت بردن از گفتگو با هم است.  
همدیگر و ببینید  
گل بگید و بشنویید  
(قاسم نیا، 1395)

«گل گفتن و گل شنیدن» کنایه از لذت بردن از گفتگو با هم است.  
پهول ہے جیسے مسکراہٹ کی بات  
کانٹھے ہیں جیسے غم کی رات  
دنیا میں ہر خوشی کے پیچھے  
غم کی ایک چھپی ہوئی بات  
(شوق قدوائی)

در این شعر، عبارت "غم کی رات" بهطور غیرمستقیم به مفهوم دشواریها و مشکلات زندگی اشاره دارد که بهطور نمادین به شب و تاریکی تشبیه شده است. به همین ترتیب، "پهول" نمایانگر لحظات شاد و خوش است که در کنار سختیها و غمها، مفهوم زندگی را تکمیل می کنند. اینجا از کنایه برای بیان تضاد میان خوشی و غم استفاده شده است.

دریا کی گہرائیوں میں چھپی ہے سچائی  
ساحل پر تو نظر آتا ہے صرف جھوٹ کا رنگ  
موجوں میں جو چلتا ہے، وہی جانتا ہے  
کیسی ہوتی ہے اس دریا کی گہرائی  
(شوق قدوائی)

در این شعر، "دریا کی گہرائی" کنایه از عمق و پیچیدگیهای زندگی است که بهطور مستقیم قابل مشاهده نیستند. در مقابل، "ساحل" نمادی از ظاهر و سطحی نگری است که حقیقت را در بر ندارد. این شعر بهطور غیرمستقیم بیان می کند که حقیقت گاهی در دل مشکلات و چالشهای زندگی پنهان است.

#### نتیجه گیری

مطالعه تطبیقی ادبیات کودک و نوجوان در زبانهای فارسی و اردو نشان داد که این دو حوزه ادبی با وجود تفاوتهای زبانی، فرهنگی و تاریخی، شباهت های قابل توجهی از منظر زیباشناختی و محتوایی دارند. در ادبیات کودک فارسی، توجه به آموزه های اخلاقی و تربیتی، همراه با استفاده از زبان فاخر و تمثیل های نمادین، نقش برجسته ای ایفا می کند. از سوی دیگر، ادبیات کودک اردو، متأثر از سنت های داستان گویی عامیانه و فرهنگ بومی، بیشتر بر زبان ساده، روایت های سرگرم کننده و تصویرسازی های جذاب تأکید دارد.

یکی از مهم ترین یافته های این پژوهش، تأثیر فرهنگ و ارزش های اجتماعی بر شکل گیری مضامین و عناصر زیباشناختی در هر دو زبان است. ادبیات فارسی، به دلیل سابقه کهن و پیوند با ادبیات کلاسیک، بیشتر بر انتقال مفاهیم عمیق اخلاقی و انسانی تمرکز دارد. در مقابل، ادبیات اردو با بهره گیری از روایات مردمی و زبانی ساده تر، به تقویت تخیل و ایجاد جذابیت برای کودکان می پردازد.

این پژوهش نشان می دهد که هر دو زبان از ظرفیت های ارزشمندی برای تولید آثار ادبی کودک و نوجوان برخوردارند. با این حال، آمیختن این دو رویکرد می تواند به غنای بیشتر ادبیات کودک کمک کند. خلق آثاری که هم آموزنده و اخلاق مدار باشند و هم از عناصر سرگرم کننده و روایی بهره ببرند، می تواند گامی مؤثر در تعاملات فرهنگی و تولید آثار مشترک بین این دو زبان باشد.

در نهایت، پژوهش حاضر تأکید می کند که مطالعه تطبیقی ادبیات کودک در زبان های مختلف، نه تنها به درک عمیق تر از ویژگی های زیباشناختی و فرهنگی هر زبان کمک می کند، بلکه می تواند بستری برای خلق آثار خلاقانه و متناسب با نیازهای مخاطبان کودک و نوجوان در عصر حاضر فراهم آورد.

#### منابع و مأخذ

##### الف: فارسی

- براهنی، رضا. (1387). طبیعت ادبیات کودک و نوجوان. تهران: انتشارات نیلوفر.
- شفیع کدکنی، محمدرضا. (1394). با چراغ و آینه: در جستجوی ریشه های تحول شعر معاصر. تهران: نشر سخن.
- فاروقی، شمیم حنفی. (2013). Urdu Adab ki Tareekh. دهلی: انجمن ترقی اردو.
- یوسفی، غلامحسین. (1390). ادبیات فارسی و میراث فرهنگی. تهران: نشر سخن.

##### ب: اردو

- Haq, Nasim. (2018). Aesthetic Values in Urdu Children's Literature. Lahore: Sang-e-Meel Publications.

- Abul Khair Kashfi,(2015), Urdu Adab Mein Bachon Ka Adab, islamAbad, Sang-e-Meel Publications.
- Khan, Saleem. (2015). Children's Literature in Urdu: A Historical Overview. Karachi: Oxford University Press.
- Shamim Hanafi(2013), Urdu Adab ki Tareekh: Bachon ke Adab ke Tanazur Mein, delhi, Anjuman Taraqqi Urdu.